مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شمارهٔ پیاپی ۸۳/۱،
پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص۴۲-۱۱

فقه منظوم شیعی در دو قرن اخیر*

سیدمحمد امام‌زاده
دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر حسن عبدالهی
دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد
Email: HSN.Abdollahi@yahoo.com

چکیده

یکی از روش‌های دانشمندان گذشته، برای فراگیری بهتر و سریعتر علوم، به نظم کشیدن مطالب علمی بوده است. به این نوع اشعار اصطلاحاً شعر تعلیمی گفته می‌شود.

در آثار و تألیفات فقهای شیعه دو قرن أخیر منظومه‌های علمی زیادی در علوم فقه، اصول، اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، رجال و ادبیات عرب دیده می‌شود. در این میان، منظومه‌های فقهی بیشترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند. در این مقاله بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم؛ در بخش نخست به مهمترین منظومه‌های دو قرن أخیر اشاره شده، و در بخش دوم برای آشنائی بیشتر با این منظومه‌ها به بررسی و تحلیل سه منظومه پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: ارجوزه، منظومه، فقه، فقها، شیعه، قرن سیزدهم و چهاردهم هجری.

---

* . تاریخ وصول:۱۳۸۸/۰۲/۲۲؛ تاریخ تصویب نهایی:۱۳۸۸/۰۷/۱۸.

مقدمه

شعر تعلیمی یکی از موضوعات اشعار عربی است که سابقه طـولانی در ادبیـات عربی دارد. در علوم مختلف مانند صرف، نحو، علوم بلاغی، منطق، فلسفه، کلام، فقـه و اصول فقه، شعرا قواعد و احکام آنها را جهت سهولت حفظ بـه صـورت ارجـوزه‌هـا و منظومه‌هایی درآورده‌اند.

حسن بن علی بن داود حلّی معروف به ابـن داود متوفـای بعـد از ۷۰۷ ق.، سـه ارجوزه در کلام، امامت و فقه دارد که برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ هـ . ش بـا تحقیـق و تعلیق آقایان حسین درگاهی و حسن طارمی بوسیله سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به زیور طبع آراسته گردید. علامه متتبع و پرتوان، مرحوم شـیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پر ارج خود «***الذریعـه الـی تصـانیف الشـیعه***» تعـداد ۶۳۶ منظومه علمی در رشته‌های مختلف را نام مـی‌بـرد کـه شـعرا و علمـای شـیعی آنهـا را سروده‌اند. در این میان، ارجوزه‌ها بیشترین عدد را به خود اختصـاص داده‌انـد و شـمار آنها به ۲۳۴ می‌رسد. در حرف همزه می‌گوید: «در اینجا منظومه‌هایی را ذکر می‌کنیم کـه در بحر رجز سروده شده است. امّا اگر منظومه‌ای در بحری غیر از رجز باشد و یا آن را ندیده و از بحر آن اطلاعی نداشته باشم، آن را در حـرف مـیم بـه عنـوان منظومـه ذکـر خواهم کرد و در صورتی که منظومه دارای یـک قافیـه باشـد آن را در حـرف قـاف بـه عنوان قصیده می‌آورم»(تهرانی، ۱۳۸۷ هـ.ق: ۴۵۰/۱).

امّا چرا وزن اغلب منظومه‌های فقهی بحر «رَجَز» است؟ زیرا اوّلاً حفـظ اشـعاری که بر این وزن می‌باشد به علّت خفیف بودن بحر آن، آسانتر می‌باشد و بـه سـهولت بـه ذهن سپرده می‌شود. ثانیاً درآوردن مطالب علمی در قالب این وزن برای ناظم اشعار، بـه خاطر جوازات ذکر شده در این بحر، آسانتر است. وزن تـام و سـالم بحـر رجـز چنـین است:

مستفعلن مستفعلن مستفعلن　　　مستفعلن مستفعلن مستفعلن

اما جایز است به جای «مستفعلن» اوزان «مَفاعِلُن»، «مُفتَعِلُن» و «فَعَلتُن» را نیز به کار برد. به این علت، برخی این بحر را «حمار الشعر» یا «حمار الشعراء» نامیده‌اند. امّا بعضی معتقدند که مناسب‌تر بود آن را «عالِم الشعر» می‌نامیدند زیرا نظم آن آسان است و تمام علمایی که متون علمی مانند فقه، نحو، منطق و طب را به نظم درآورده‌اند، این بحر را اختیار نموده‌اند.

ارجوزه‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

نوع اوّل: ابیات دارای یک قافیه می‌باشند. این گونه ارجوزه‌ها در اشعار عربی، به خاطر مشکل وحدت قافیه اندک است.

نوع دوم که آن را مزدوجات می‌نامند، تنها هر دو مصرع ابیات آن دارای یک قافیه می‌باشد. بیشتر اشعار تعلیمی به خاطر سهولت نظم آنها از این نوع هستند.

در گذشتهٔ نه چندان دور در میان این اشعار تعلیمی، منظومه‌های فقهی جایگاهی رفیع داشته و از رواجی خاصّ برخوردار بوده است، ولی در زمان حاضر، متأسفانه، این میراث فقهی عظیم کمتر مورد توجّه حوزه‌های علمیه و رشته‌های دانشگاهی مربوط به آن قرار گرفته و مورد غفلت واقع شده است. شایسته است که این گنجینه گرانبهای فقهی بار دیگر احیا شود.

در اکثر ابواب فقه، یک یا چند منظومه وجود دارد. آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، آنها را به ترتیب حروف الفبا ذکر کرده است مانند **ارجوزة الاثنی عشریة فی الصلاة، ارجوزة فی احکام الاموات، ارجوزة فی الارث، ارجوزة فی الحج** ... و در پایان **ارجوزة فی الوضوء** و **ارجوزة فی الوقف**. اگر با باب طهارت آغاز می‌شد و به باب دیات ختم می‌شد با کتابهای فقهی هماهنگی و مطابقت داشت. در کتابهای رجال و تراجم به غیر از آنچه که مرحوم آقا بزرگ تهرانی ذکر کرده است، منظومه‌های فقهی دیگری وجود دارد که پس از تألیف الذریعه سروده شده است و یا از قلم وی افتاده است.

برخی از این منظومه‌ها در اصل کتاب فقهی یکی از فقها بوده، که این فقیه شاعر

آن را به نظم درآورده است مانند «*الدرة الصفیّة فی نظم الالفیة الشهیدیة*» نوشته عموی شیخ بهائی، شیخ نورالدین علی بن عبدالصمد حارثی همدانی. (همان: ۱۵/۱۸)

در این زمینه دو مقاله نوشته شده است یکی در شماره ۳۸ آئینه پژوهش نوشته سید صادق محسنی به عنوان منظومه‌های فقهی که نویسنده پس از مقدمه‌ای کوتاه فهرست منظومه‌های فقهی را از آغاز تاکنون به ترتیب ابواب کتابهای فقه، از طهارت تا دیات ذکر کرده است. بیشتر این منظومه‌ها از کتاب ارزشمند (*الذریعه*) استخراج شده است و فقط درباره (*الدرة النجفیّة*) نوشته سید مهدی بحرالعلوم توضیح مختصری پیرامون شروح آن داده است. در این مقاله نام ۱۷۵ منظومه و ارجوزه دیده می‌شود.

مقاله دیگری به زبان عربی در شماره‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۲ فصلنامهٔ اهل البیت عربی نوشته سیّد محمد جواد جلالی به عنوان (*فی رحاب المکتبه الفقهیه، الفقه المنظوم*) چاپ شده است.

نویسنده در این پژوهش، پس از درآمدی پیرامون مقایسهٔ منظومه‌های فقهی شیعه با منظومه‌های اهل سنّت به دوازده منظومه فقهی اهل سنت اشاره می‌کند و می‌گوید: من بیش از این منظومه‌ای را از اهل سنّت نیافتم، در حالی که بیش از ۱۸۰ منظومه در فقه شیعه از آغاز تاکنون نگاشته شده است. سپس در بخش نخست مقاله فهرست منظومه‌هایی را که در تمام ابواب فقه می‌باشد به ترتیب سال وفات ناظم آن ذکر کرده است. در بخش دوّم نیز به همین ترتیب فهرست منظومه‌هایی که در یک باب فقه می‌باشد، بیان کرده، امّا منظومه‌هایی که در بیش از یک باب بوده ولی تمام فقه را شامل نبوده در هر دو بخش آورده است. در این مقاله هم بیشتر مطالب از کتاب الذریعه نقل شده است.

بخواست خدا ما در این نوشتار بنا داریم با نگاهی عمیق‌تر و فراگیرتر از آنچه انجام شده به مقوله فقه منظوم بپردازیم، لذا در این مقاله علاوه بر معرّفی برخی از منظومه‌های فقهی در دو قرن أخیر به عنوان نمونه چند منظومه فقهی را مورد بررسی و

تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم؛ بنابراین بحث خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم:

بخش اول: معرفی منظومه‌های فقهی

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان منظومه‌های فقهی دو قرن أخیر را به سه گروه تقسیم کرد:

الف: منظومه‌هایی که همهٔ ابواب فقه را در بر می‌گیرد.

مهمترین منظومه‌هایی که همهٔ ابواب فقه از طهارت تا دیات را دربرمی‌گیرد، عبارتند از:

۱ ـ منظومه شیخ ابراهیم صادق (م ۱۲۸۸ ق.)؛

این منظومه حدود هزار و پانصد بیت دارد که خود ناظم سی بیت از کتاب طهارت آن را شرح داده است، آغاز آن

الماء امّا مطلق وذاک ما   یسبق للفهم متی ما قیل ما

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۷۰/۱)

آب یا مطلق است و آن آبی را مطلق گویند که هرگاه آب گفته شود به ذهن تبادر کند.

۲ ـ منظومهٔ شیخ أحمد ستری (م ۱۳۱۵ ق.) که بیش از دو هزار و پانصد بیت است (همان: ۲۶۴)

۳ ـ ارجوزه سید محسن کاظمی اعرجی (م ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ق.) بنام ***الفقهیة المستظرفة***؛

این ارجوزه دارای هزار بیت می‌باشد بدین جهت الفیه نامیده می‌شود. آغاز آن:

سبحان من محسن بالنعم   قبل وجوبها بفضل الکرم

در ادامه می‌گوید:

سمیتها الفقهیه المستظرفه   یوجب ضبطها مزید المعرفه

این منظومه در سال ۱۲۷۱ چاپ شده است. نسخهٔ کاملی از آن تا آخر دیات با اختلاف در برخی الفاظ یا یک بیت و یا یک جمله در کرمانشاه در میان کتابهای مولی محسن فرزند مولی سمیع به خط وی وجود دارد. نوه وی حاج آقا محمّد مهدی کرمانشانی (م ۱۳۴۶ ق.) می‌گفت: ناظم این ارجوزه جدّ ما می‌باشد نه سیّد محسن کاظمی اعرجی. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۹۷/۱۶ و ۱۲۱/۸)

سیّد محسن أمین در اعیان الشیعه این الفیه را جزء تألیفات سیّد محسن کاظمی اعرجی نیاورده است و نیز دکتر محمّدهادی أمینی در کتاب معجم رجال الفکر والادب فی النجف نامی از این الفیه جزء تألیفات سیّد نبرده است. (أمین، ۱۴۰۳: ۴۶/۹ و أمینی، ۱۴۱۳: ۱۶۱/۱)

شایان ذکر است که این دو محقّق ارجمند از جمله تألیفات محقق کاظمی منظومه‌ای را بنام ***جمع اشباه و نظائر*** ذکر کرده‌اند.

۴ ـ منظومهٔ ***الدرة البیضاء***. ناظم آن سیّد میرزا ابوالقاسم فرزند سید صادق طباطبایی. ساکن تهران مشهور به سنگلجی معاصر صاحب ***الذریعه*** متولد ۱۲۸۷ ق.. این منظومه دارای سی هزار بیت است. آغاز آن:

اعوذ بالله من الرجیم وبسمه الرحمان الرحیم
الحمد لله الذی هدانا الی صراط الحق واجتبانا

در ادامه می‌گوید:

فهذه منظومة وجیزه! نافعة للمبتغی عزیزه
سمَّیتها بالدرة البیضاء تبصرة من الطباطبائی

(آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۹۲/۸)

۵- ***الجنّه المأوی*** نوشته سیّد محمّدبن عبدالصمد اصفهانی شهشهانی(م۱۲۸۷ق). این منظومه حدود یکصد هزار بیت است. سیّد حسن صدر درباره آن گفته است: «مشتمل علی الفکاهة والفقاهة». (همان: ۴۹۰/۱، ۱۲۹/۲۳ و ۱۶۰/۵)

۶ ـ ***نبراس الهدی*** نوشته حاج ملا هادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق.) مشتمل بر هزار بیت است. ناظم شرحی بر آن دارد مانند منظومه‌اش (***غرر الفرائد***) در منطق و فلسفه. از این منظومه از کتاب طهارت تا نکاح چاپ شده است. آغاز آن:

الحمد لله الذی نوّهنا بنور نبراس الهدی فقّهنا

وی دو منظومه دیگر در فقه دارد یکی بنام ارجوزه فی الفقه و دیگری المقباس. (همان: ۴۹۰/۱، ۱۲۶/۲۲، ۱۲۹/۲۳ و ۳۸/۲۴)

ب ـ منظومه‌هایی که برخی از ابواب فقه را در برمی‌گیرد.

مهمترین و مشهورترین این منظومه‌ها عبارتند از:

۱ ـ منظومه علامه سید مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق.) بـه نـام ***الـدرّة البهیّـة*** یـا ***الدرّة النجفیّة*** و یا ***الدرّة الغرویة*** که تمام باب طهارت و بـاب صـلاه تـا نمـاز طـواف را دربرمی‌گیرد. این منظومه مورد اهتمام و ستایش بسیاری از فقهـا بـوده اسـت. در اعیـان الشیعه در تمجید آن می‌گوید: سرور ارجوزه‌های فقهی و بی‌همتا اسـت. (أمـین، ۱۴۰۳: ۱۶۰/۱۰). این منظومه از جهت صحّت مطالب آنقدر معتبر است که در پاره‌ای از مـوارد صاحب جواهر به ابیات آن استشهاد می‌کند که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱ ـ در مسأله دو طرف مشتبه می‌گوید: ولعل ذلک الذی اشار الیـه السـید ـ شـیخ مشایخنا ـ فی منظومته، فقال فی الانائین المشتبهین:

ولو تعاقبنا علی رفع الحدث لم یرتفع ولیس هکذا الخبث

(نجفی، ۱۳۶۷: ۳۰۶/۱)

۲ ـ در موضوع زوال عین نجاست می‌گوید: ولعلّه لما ذکرنا اشار السـید مهـدی فی منظومته، فقال:

واجعل زوال العین فی الحیوان طهراً کذا بواطن الانسان

(همان، ۳۷۶/۱)

۳ ـ درباره حد دست می‌گوید: نَعَم، المتبادر من اطلاق لفظ الید فی النص والفتوی

الکف فیکون حدّها الزند کما اشار الی ذلک الطباطبائی فی منظومته، فقال:

ولا یجوز المسح الاّ فی الید وحدّها الزند اذا لم تفقد

(همان، ۱۸۵/۲)

۴ ـ پیرامون اشتراط مندوحه در تقیه و یا عدم اشتراط آن می‌گوید: واختار ثانیهما المحقق الثانی وهو المنقول عن الشهیدین، واختاره الطباطبائی فی منظومته، فقال:

وفی اشتراط عدم المندوحه قول ولکن لا اری تصحیحه

(همان، ۲۳۸/۲)

۵ ـ در بحث تیمم می‌گوید: اللهم الاّ ان یقال: انه بعد أمر الشارع بصرفه فی غیرها کان بمنزله من لا ماء عنده، فلا خطاب بالطهاره حینئذٍ، ومن هنا قال الوحید الطباطبائی فی منظومته بعد ذکر اسباب التیمم:

فالفرض فی هذا ونحوه البدل والاصل لا یجری اذا الفرض انتقل

لکن یعود أن تکلف السبب وارتفع العذر بما قد ارتکب

وضابط البطلان تحریم العمل لا النهی عما یقتضیه اذ حصل

(همان، ۱۱۲/۵)

پنجاه و شش مورد در جواهر به اشعار این منظومه استشهاد شده است. در پاره‌ای از این موارد به مضمون اشعار اشاره می‌کند ولی ابیات را نیاورده است مانند مسأله حق سبق در مشترکات، می‌گوید:

«امّا حق السبق فی المسجد ونحوه ففی بطلان الصلاة وعدمه وجهان بل قولان اقواهما الثانی وفاقاً للعلامة الطباطبائی فی منظومته» (همان، ۲۸۶/۸). در همین موضوع آقای خویی می‌گوید: «وذهب فی الجواهر تبعاً للسیّد العلامة الطباطبائی فی منظومته إلی الثانی» (خویی، ۱۴۱۰: ۱۳/۲)

امّا در بیشتر موارد ابیات را ذکر کرده است.

امّا چگونگی استشهاد مرحوم صاحب جواهر به منظومهٔ سید بحرالعلوم بیشتر به

صورت تبعیت با تقویت و تأیید آراء فقهی خودش است. سید محسن حکیم در مسأله اذان می‌گوید: «امّا اذان الصلاة فمتصل بها وإن کان فی آخر الوقت کما صرّح بذلك فی الجواهر تبعاً للعلامة الطباطبائی فی منظومته» (حکیم، ۱۳۹۱: ۵۳۹/۵)

صاحب جواهر در کراهت کشتن شپش در مسجد می‌گوید: «امّا کراهة (قتل القمّل) فیه وإن نص علیها غیر واحد من الأصحاب، بل فی الذکري انه قاله الجماعة، لکن قد اعترف بعضهم بعدم الوقوف علي نصٍّ دالٍّ علیه ولعلّه لذا ترکها العلامة الطباطبائی فی منظومته» (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۲۹/۱۴)

و در مسأله وقت نماز می‌گوید: «اذا کان له طریق الی العلم بالوقت لم یجز التعویل علي الظن والیها اشار الطباطبائی فی منظومته»:

وکل ما امکنه العلم فلا   یبنی علی الظن لأصل أصّلا

(همان، ۲۶۵/۷)

به جز مرحوم صاحب جواهر، فقهای دیگری مانند محقق نراقی در مستند الشیعه، شیخ اعظم انصاری در دو کتاب طهارت و صلاه و حاج آقا رضا همدانی در مصباح الفقیه و از متأخرین مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة خود به آرای سیّد در منظومه به عنوان کتاب فقهی معتبر اشاره می‌کنند. جهت اطلاع بیشتر به نرم افزار مکتبه اهل البیت علیهم السلام رجوع شود.

در جلالت شأن آن همین بس که شروح و حواشی و تتمّه‌هایی فراوان بر آن نگاشته شده است.

بیت آغازین آن چنین است:

افتتح المقال بعد البسمله   بحمد خیر منعم والشکر له

درباره نام و تاریخ نظم آن می‌گوید:

غرّاء قد وسمتها بالدره   تاریخها عام الشروع (غرّه)

این ماده تاریخ مطابق ۱۲۰۵ ق. می‌باشد.

برخی از شروح آن عبارتند از:

ـ ***خزائن الاحکام*** فی شرح المنظومة التی نظّمها سیّدنا بحرالعلوم؛ نوشته آغا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی دربندی (م ۱۲۸۶ ق.)؛ این منظومه نزدیک یکصد هزار بیت است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۱۵۲/۷)

ـ ***کشف الاسرار الخفیّة فی شرح الدرة النجفیّة*** نوشته سیّد ابوالقاسم فرزند سیّد احمد حسینی کاشانی (م ۱۳۱۸ هـ.ق) در دو جلد؛ نویسنده ابتدا بیت شعر را ذکر می‌کند سپس آن را شرح می‌دهد از کتاب جواهر و شیخ انصاری اقوال زیادی را نقل می‌کند. (همان، ۱۵/۱۸)

ـ ***شرح منظوم درّه؛*** ناظم آن از نوادگان سیّد بحرالعلوم به نام سید حسن فرزند سید رضا فرزند سید مهدی بحرالعلوم است. (خاقانی، ۱۴۰۸: ۲۱۸/۳)

ـ ***شرح منظومه*** نوشته محمّدعلی بن محمّدحسن اردکانی شاگرد سیّد بحرالعلوم. (أمینی، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۱)

ـ ***المواهب السنیة*** نوشته حاج میرزا محمود بروجردی؛ شرحی است مبسوط و استدلالی. چاپ سنگی آن در دو مجلّد در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود است. این شرح تا آخر بحث کفن میّت می‌باشد.

در کتب تراجمی که در شرح حال فقها نگاشته شده شروح دیگری را می‌بینیم که جزء سی شرح ذکر شده در ***الذریعه*** نمی‌باشند مانند ***شرح درّه*** نوشته محمّدرضا فرزند شیخ عبدالحسین آل یاسین. (همان: ۷۱/۱)

محمدعلی اعسم شاگرد سید بحرالعلوم هجده بیت در تقریظ درّه سروده است. آغاز آن:

درة علم هی ما بین الدُّرر   فاتحة الکتاب ما بین السُّور

منظومه‌هایی در تتمیم و تکمیل درّه سروده شده است که نام بعضی از آنها در الذریعه آمده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷: ۳۴۱/۳).

۲ ـ ***ارجوزه فی الصوم والاعتکاف والخمس*** نوشته سیبد محمّد حسنی بغدادی نجفی (م ۱۳۹۴)؛ این ارجوزه در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد می‌باشد. در سال ۱۳۸۴ ق. برای اولین بار در نجف به چاپ رسید. با اینکه وی معاصر آقا بزرگ تهرانی بوده و هر دو در نجف می‌زیستند ولی در ***الذریعه*** نامی از آن برده نشده است! همچنین در مقاله منظومه‌های فقهی مجله آئینه پژوهش و نیز مقاله الفقه المنظوم فصلنامه اهل بیت ذکر نشده است. در مقدمه آن می‌گوید:

ابدء باسم مَن الی عبادته دعا الوری کی یخلصوا فی طاعته
ومَن لهم الی الصیام ندبا لکونه عندهم مقرّبا
احمده حمداً کما فقَّهنی اذ هو فی أحکامه عرّفنی

و در ادامه درباره ارجوزه‌اش می‌گوید:

ارجوزهٔ لیس لها مماثل قد أذعنت لفضلها الافاضل
وجیزهٔ حوت من المسائل ما لیس یُحصی سهلهٔ التناول

و پس از بیان احکام روزه، اعتکاف و خمس آورده است:

الحمد لله علی الإکمال مصلّیاً علی النبی والآل

۳ ـ ***منظومة فی الصوم والخمس والحج؛*** ناظم آن شیخ عباس فرزند شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کبیر کاشف الغطا (م ۱۳۲۳). در کتاب ***ماضی النجف وحاضرها*** در بخش تألیفات شیخ، منظومه حج را مستقل آورده است و گفته که این منظومه بیش از هزار بیت است.

در ***الذریعه*** این منظومه را به عنوان ارجوزه فی الصوم والخمس والزکاه والحج به نقل از کتاب ***الحصون المنیعه*** ذکر کرده است. (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۱۵۸/۳ و أمینی، ۱۴۱۳: ۱۰۴۳/۳ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۴۸۴/۱)

ج ـ منظومه‌هایی که فقط یک باب فقهی را دربر می‌گیرد عبارتند از.

۱ ـ ***ارجوزه فی احکام الأموات؛*** نوشته سید هاشم فرزند سید احمد آل سید

کمال الدین حسینی حلی (م ۱۳۴۱ ق.) که با بیت زیر آغاز می‌شود:

حمداً لمحیی کل ذی حیاة وقاهر العباد بالمماة

و با این بیت پایان می‌یابد:

فانتظروا الحکم من الاله ونختم النظم بحمد الله

این ارجوه خطی است و به چاپ نرسیده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ هـ.ق: ۴۵۱/۱).

۲ ـ ***ارجوزة فی الأذان والاقامه؛*** ناظم آن شیخ عبدالرحیم فرزند محمدعلی شوشتری (م ۱۳۱۳ ق.) شاگرد وی سید آقا شوشتری گفته است: این ارجوزه را به خط استادم دیدم. (همان: ۴۵۲/۱)

۳ ـ منظومه‌های فراوانی در باب ارث سروده شده است. علّت آن مشکل بودن و مورد ابتلا بودن احکام آن می‌باشد. این منظومه‌ها حفظ قواعد آن را آسان می‌کند به دو تا از آنها اشاره می‌کنیم.

ـ ارجوزهٔ شیخ محمّدعلی فرزند محمّد اعسم (م۱۲۳۳ ق.)؛ آغاز آن چنین است:

نحمدک اللهم یا مَن شرعا دیناً به النبی طه صدعا

ومَن أبان حکم الانسان حیّاً ومیّتاً بأحسن البیان

در ادامه می‌گوید:

وبَعْدُ لمّا أن وقفت فی الأثر علی حدیثٍ جاء من خیر البشر

تعلّموا عِلْمَ المواریثِ وقد سمّاه نصف العلم فیما قد ورد

(همان: ۴۵۴/۱)

ـ ارجوزهٔ سیّد محسن أمین عاملی (م ۱۳۷۱ ق.)؛ ارجوزه‌اش در ارث به نام (***جناح الناهض الی تعلّم الفرائض***) است. آغاز آن:

الحمد لله القدیم الوارث المنشئ الخلق الممیت الباعث

(أمین، معادن الجواهر، ۱۴۰۳: ۱۴۱/۴)

۴ ـ در باب حج نیز به دو منظومه از میان تعداد زیاد منظومه‌های این باب اشاره می‌کنیم:

ـ ارجوزهٔ شیخ طاهر حچامی کبیر (م ۱۲۷۹ ق.) به نام ***تحفة النسّاک***. ارجوزه‌ای است مفصّل در احکام و مناسک حجّ تمتّع ۲۷۷ بیت دارد. یکی از بزرگان خاندان کاشف الغطا در ستایش این منظومه گفته است:

أعُقودٌ علی نُحور العذاری   أم عناوینُ حکمةٍ لا تباری
أوضَحَتْ مَنْهَجَ الهُدی لِلمُضِلّینَ   بنور لولاه ضَلّوا حَیاری

(آقا بزرگ تهرانی، ***الکرام البررة***، ۱۴۰۴: ۶۸۱/۲ و خاقانی، ۱۴۰۸: ۳۸۰/۴)

ـ منظومهٔ سیّد عدنان غریفی (م ۱۳۴۰ ق.)؛ در احکام حجّ و اسرار آن؛ این منظومه حدود هزار بیت است. آغاز آن:

الحجُ والعمرةُ فرضان علی   من استطاع فی الشروط سُجّلا
قَضَتْ به ضرورةُ الدین الأغر   لا یُنْکرُ الوجوبَ الاّ مَنْ کَفَر
بالأصل والنذر وبالأمر یجبْ   وبالفسادِ وهو بعدُ مستحب

(همان: ۱۸۰/۶ و أمینی، ۱۴۱۳: ۹۱۸/۲)

۵ ـ ***منظومة فی شکوک الصلاه***؛ ناظم آن شیخ أحمد فرزند صالح ستری بحرانی (م ۱۳۱۵ هـ.ق) (خاقانی، ۱۴۲۱: ۱۷۹/۱۷)

۶ ـ در باب رضاع (شیر دادن)، شرایط و احکام آن منظومه‌های زیادی دیده می‌شود. شاید علّت آن این باشد که در آن روزگار این کار رواج داشت. دایه‌هایی بودند که به نوزادانی که مادرانشان نمی‌توانستند به آنها شیر دهند، شیر می‌دادند. به سه منظومه در این باب اشاره می‌کنیم:

ـ منظومهٔ سیّد محمدجواد حسینی عاملی (م ۱۲۲۶ هـ.ق)؛ صاحب ***مفتاح الکرامه*** در شرح قواعد علامه این منظومه یکصد و چهل بیت دارد. آغاز آن:

الحمد لله وصلّی الباری　　علی النبی الطاهر المختار

در ادامه می‌گوید:

فبعدُ فالرضاعُ أمرٌ جار　　فی سائر الاعصار والأمصار

فهاک نظماً راق فی الرضاع　　لیسهل الحفظ علی الطباع

(حسینی عاملی، بی تا: ۷۷۵/۴ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ هـ .ق: ۱۱۰/۲۳)

ـ منظومه سید صدرالدین عاملی (م ۱۲۶۳ ق.)؛

آغاز آن این گونه است:

إنْ أحرزَ الرضاعَ شرطُهُ نَشَر　　تحریمُ تزویج وتحلیلُ نَظَر

این منظومه حدود هفتاد بیت دارد. خود ناظم شرح مفصلی بر آن نوشته به نام شرح الارجوزة الرضاعیة. (همان: ۴۷۶/۱ و ۱۱۱/۲۳).

ـ منظومهٔ محمدعلی اعسم (م ۱۲۳۳ ق.) ؛ آغاز آن چنین است:

الحمد لله علی إفصاله　　بالرزق للطفل لدی استهلاله

در ادامه می‌گوید:

وبعده فاعلم بأنّ الداعی　　للنظم فی مسائل الرضاع

انّی رأیتها کثیرة الشُعَب　　والبحث عن أحکامها وَجَب

و در ابتدای بیان أحکام آن می‌گوید:

صحّ الحدیث عن نبی الأمّة　　وعن بنیه السادهٔ الأئمة

إنّ الرضاعَ حکمُه حُکمُ النسب　　فیماله من حکم تحریم وجب

(همان: ۴۷۶/۱ و ۱۱۱/۲۳)

۷ ـ منظومه زکات؛ ناظم آن سید محمدجواد عاملی، این منظومه در شرح حال ناظم در آخر کتاب متاجر ***مفتاح الکرامه*** ذکر شده است. (همان: ۴۷۶/۱)

۸ ـ ***منظومة فی الصوم***؛ نوشته شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی معروف به کمپانی (م ۱۳۶۱ هـ .ق) آغاز آن:

الصوم فی شریعة المختار ترک المفطّرات فی النهار

این منظومه بر خلاف آثار دیگر نویسنده که مورد اهتمام فقها و اصولیان می‌باشند، مورد توجه قرار نگرفته به طوری که در برخی از کتابها جزء تألیفات ایشان نیامده است. (أمینی، ۱۴۱۳: ۱۳۴/۱)

۹ ـ ***منظومهٔ فی النکاح***؛ ناظم آن شیخ حسین فرزند شیخ مشکور حولاوی (م ۱۳۸۸ هـ.ق) این منظومه دارای یکهزار و شصت بیت است(آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۷ ق.: ۱۴۵/۲۳)

۱۰ ـ ***منظومه فی الوقف***؛ نوشته سید محمدعلی موسوی عاملی اصفهانی مشهور به آقا مجتهد (م ۱۲۸۰ ق.) این منظومه چاپ نشده نزد نوادگان ناظم آن می‌باشد. (أمین، ۱۴۰۳: ۶/۱۰) آنچه ذکر شد بخش کوچکی از منظومه‌های فقهی فقهای عظام رضوان الله تعالی علیهم در دو قرن أخیر است. جهت اطلاع بیشتر به کتاب ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه جلد اول و بیست و سوم مراجعه شود.

بخش دوم: بررسی چند منظومه فقهی

۱ ـ ارجوزة اعسمیة نوشته فقیه نامور شیخ محمدعلی فرزند شیخ حسین فرزند حاج محمد اعسم نجفی (ره) متوفای سال ۱۲۳۳ هـ. یکی از زیباترین و مشهورترین منظومه‌هایی است که در فقه نوشته شده است. فقیه بزرگ شیخ محمد ابراهیم کرباسی متوفای سال ۱۴۰۷ هـ می‌گوید که این ارجوزه یکی از سه منظومهٔ مشهور است که عبارتند از: ارجوزه ابن مالک در صرف و نحو و دیگری الدرة **النجفیة** سیّد مهدی بحرالعلوم در فقه و سومی این ارجوزه در فواید و آداب اطعمه و اشربه. این ارجوزه دارای ۱۴۶ بیت است و متضمن اخبار و روایات وارده از معصومین علیهم السلام می‌باشد.

مقدمهٔ منظومه:

الحمد لله وصلّی الباری علی النبیّ احمَدَ الْمُخْتار
وآلِهِ الأطهار ارباب الکَرَمْ ومَنْ بهمْ تَمّتْ علی الخَلْق النِّعَمْ
وبَعْدُ فالعبدُ الفقیرُ الْمُحْتَمی بظِلِّ آل البیتِ ابنُ الأعْسَم
قالَ نَظَرْتُ فی کتاب الأطْعِمَه مِنَ الدَّواعی ما اقتضی أن انظمه

در نسخه چاپ آستان قدس رضوی به جای (من الدواعی) من الدروس نوشته و در پاورقی مراد از دروس را کتاب دروس شهید بیان کرده است و ظاهراً این معنی بهتر است.

مما به روی من الآداب عند حضور الأکل والشراب
مُکتفیاً بذاک أو أذْکُرُ ما رَواه فی ذِلک بعضُ العُلما
مُقتصراً فیه علی مَتْن الخبر أو نَصٍّ مَن لم یُفتِ الاّ عن أثَر

آن‌گاه ناظم درباره نان و ویژه‌گیهای آن می‌گوید:

الفَضْلُ لِلْخُبز الّذی لَولاهُ ما کانَ یوماً یُعْبدُ الإلهُ

از پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله روایت شده است: «اللهُمَّ بارک لنا فی الخبز ولا تفرّق بیننا وبینه، فلولا الخبز ما صمنا ولا صلینا ولا أدّینا فرایض ربّنا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۰/۶۶)

و در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «انّما بُنیَ الجسدُ علی الخبزِ» (همان: ۲۷۰/۶۶)

و در ادامه می‌گوید:

أفْضَلُهُ الخُبز مِنَ الشعیر فَهْوَ طَعامُ القانع الفَقیر
ما حلَّ جوفاً قَطُّ الاّ أخْلَیا مِنْ کُلِّ داءٍ وهْوَ قُوتُ الأنبیاء

محمد بن یعقوب کلینی در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که امام فرمود: «فضل الشعیر علي البر کفضلنا علي الناس، ما مِن نبی الاّ وقد دعا لأکل الشعیر

وبارك عليه وما دخل جوفاً الاّ وأخرج كل داءٍ فيه وهو قوت الانبياء وطعام الأبـرار، أبی الله أن يجعل قوت أنبيائه الاّ شعيراً» (حر عاملی، بی تا: ۱۷/۴)

له علی الحِنْطَةِ فَضْلٌ سامی کَفَضْلِ أهْلِ البَيْتِ فی الأنام
ما مِن نبیٍّ لإعْتناءِ فيه الاّ وقد دعا لِآکِلِيه

در این ابیات معنای روایت به صورتی دقیق به نظم درآمده است.

و در آداب خوردن غذا می‌گوید:

سَمِّ علی المأکول فی ابتداءِ وفی الأخير احْمَدْ وفی الأثناء
واکْتَفِ بالمَرَّةِ فيما يتَّحِد وسَمِّ عِنْدَ کُلِّ لَوْن إن يَرِد

مقصود وی در بیت دوم این است: در صورتی که بر روی سفره یـک نـوع غـذا باشد بردن نام خداوند در آغاز یک بار کافی است ولی در صـورت تنـوع غـذاها بـرای شروع به خوردن از هر کدام باید نام خـدای متعـال بـرده شـود. سـپس در ادامـه آورده است:

وَيَکْرَهُ الأکلُ علی الشَّبْعِ إذا لَمْ يُؤْذِ والمَحظُورُ ما فيه أذی

این بیت در نسخه آستان قدس رضوی ذکر نشده است.

والأکل مشياً ومعارضاً نقل علی البيان للجواز قد حمل
فعل النبی مرّة فی الزمن فی کسرة مغموسةٍ باللبن

ناظم در این ابیات به اختلاف روایات در باب خوردن غذا هنگام راه رفتن اشاره می‌کند. ابتدا می‌گوید این کار مکروه است سپس آن را معارض با روایتـی مـی‌بینـد کـه پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله زمانی تکّه‌ای از نان را در کاسه شیر فـرو بـرد و مشـغول خوردن آن شد در حالی‌که راه می‌رفت. شاعر با توجه به این کردار پیامبر صلّی الله علیه وآله این روایت را حمل بر جایز بودن این عمل می‌کند زیرا فعل پیامبر صـلّی الله علیـه وآله حجّت است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لا تأکل وأنت تمشـی الاّ أن تَضْطَرَّ الی ذلك» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۸/۶۶).

در روایتی دیگر آمده است: «... خرج رسول الله صلّي الله عليه وآله قبل الغداة ومعه كسرة قد غمسها في اللبن وهو يأكل ويمشی...» (همان: ۳۸۸/۶۶)

نتیجه این‌که خوردن در حال راه رفتن جایز است و کراهت آن محل اشکال می‌باشد.

در بیان حکم تکیه دادن در حال غذا خوردن می‌گوید:

والاتكاءَ حالةَ الأكل اترُكْ ما أكَلَ النبيُّ وهو مُتَّكِي

وابنُ اليَسار وهْوَ بعضُ العَمَدِ رَوَى جَوازَ الإتِّكا على اليدِ

ناظم در این ابیات ابتدا حکم به ترک تکیه دادن در زمان خوردن می‌کند به‌دلیل این‌که هیچ‌گاه پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله با این حالت غذا نخورد ولی در بیت دوم این حکم را معارض با روایت فضیل بن یسار از اصحاب جلیل القدر امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌داند که در آن حکم به جواز خوردن در حالت تکیه دادن بر دست شده است. (حر عاملی، بی تا: ۴۱۵/۱۶)

از دیگر آداب غذا خوردن، کراهت دمیدن بر غذای گرم جهت سرد شدن آن، و نگاه کردن به دوستانی که با آنان بر سر سفره غذا می‌خورد و نیز نظر کردن به غذایی که می‌خورند، است. وی در این خصوص می‌گوید:

ويترك النفخ ولا ينظر إلى أكل رفيق معه قد أكلا

قال: واتي النبيّ صلي الله عليه وآله بطعام فوضع يده فيه فاذا هو حار فقال دعوه حتى يبرد انه اعظم بركة وإن الله لم يطعمنا النار(حر عاملی، بی تا: ۱۴/۱۷).

عن الصادق عن آبائه عن الحسن بن علی علیه السلام قال: «في المائدة اثنتا عشرة خصلة... وقلة النظر في وجوه الناس».

مقصود از ناس، کسانی هستند که با او هم غذا می‌باشند.

و در آخرین بخش از آداب غذا خوردن می‌گوید:

دع السکوت فهی سیرة العجم وجوّز المَضْغَ وصَغِّر اللقم

لا تحتم فی صحة بلا غرض فهو کترک الاحتما حال المرض

الاحتماء به معنی پرهیز از خوردن غذا است.

ساکت بودن در حال خوردن غذا را رها کن زیرا این سیره و روش عجم (غیر مسلمانان) است. از امیرالمؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «... اکثروا ذکر الله علي الطعام ...»

و از احکام ارشادی ائمه علیهم السلام در این زمینه خوب جویدن و دیگری کوچک برداشتن لقمه است. در روایت پیشین امام حسن مجتبی علیه السلام به این دو خصلت اشاره فرمودند: (تصغير اللقمة والمضغ الشديد...)

ناظم در بیت دوم پرهیز از غذا در حالت صحت و تندرستی بدون داشتن هیچ غرضی را منع می‌کند همانگونه که پرهیز نکردن از غذاهای مضر در حالت بیماری ممنوع است. منبع این دستور بهداشتی را در کتابهای روایی نیافتم.

بخشی دیگری از این ارجوزه در بیان خواص تعدادی از میوه‌ها و عسل می‌باشد. اکثر این خواص مستند به احادیث نبوی و یا روایات امامان معصوم علیهم السلام است.

وی در بیان خواص انار می‌گوید:

وسیّد الفواکه الرمّان یأکله الجائع والشبعان

مُنَوِّرٌ قلوبَ أهل الدین ومُذهبٌ وسوسةَ اللعین

علاّمه سید مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۲هـ) نیز منظومه‌ای دربارهٔ خواص انار دارد بخشی از آن چنین است:

یا طالباً فضائل الرمان	اتل لذاک سورة الرحمن
تجد بها الرحمن فیها فضّله	أجمله طوراً وطوراً فصّله
عظمه فی النعت اذ قد نکّره	ثمّ ارتضاه غایة فأخّره
وانّه لسیّدُ الفواکه	لیس له فی اللطف من مشاکه
وهو طعام وشراب جمعا	یصلح للأکل وللشرب معا
یؤکل فی الجوع وفی حال الشبع	وفی الظما والریّ فیه منتفع

(بحرالعلوم، ۱۲۸۰: مقدمه مواهب السنیه)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَن أکل رمّانة نور الله قلبه وطرد عنه شیطان الوسوسة اربعین صباحا ... »(حر عاملی، ۱۲۰/۱۷)

میوه‌های دیگری که در این ارجوزه خواص آنها ذکر شده است عبارتند از: انگور، انجیر، خربزه، خرما، سیب و بِه؛ سپس از عسل نام می‌برد. آن‌گاه به ترتیب به فواید و مضرات تخم مرغ، انواع گوشت، حلیم، ماهی، سرکه، کدو، ماش، عدس، پیاز، سیر، هویج، کرفس، تره، کاهو و شلغم اشاره می‌کند و در پایان چگونگی خلال دندانها و حکم آن را بیان نموده و فصلی در استشفا با تربت قبر امام حسین علیه السلام ذکر کرده است.

بخش دیگری از این ارجوزه پیرامون انواع نوشیدنیها است، او درباره آب و احکام آن می‌گوید:

سیّد کلّ المائعات الماءُ	ما عنه فی جمیعها غناء
اما تری الوحی الی النبیّ	منه جعلنا کلّ شیء حیّ

در این بیت اشاره به آیه ۳۰ سوره انبیاء شده است: «وَجَعلنا من الماء کلّ شیءٍ حیٍّ» و در ادامه می‌گوید:

ومَن ینحّیه ویشتهیه | ویحمد الله ثلاثاً فیه
ثلاث مراتٍ فیروی أنّه | یوجب للمرء دخول الجنّه
وفی ابتداء هذه المرّاتِ | جمیعِها بَسْمِلْ لنصٍّ آتٍ

در روایت عبدالله بن سنان، گفته: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می‌فرمود: همانا شخص آب می‌نوشد، خداوند متعال بخاطر آن او را از بهشتیان قرار می‌دهد، گفتم: چگونه؟ فرمود: شخص آب می‌نوشد سپس نوشیدن آب را قطع می‌کند و ظرف آب را از دهان دور می‌کند پس خداوند را ستایش می‌کند پس از آن دوباره آب می‌نوشد بار دیگر حمد خدا را می‌گوید سپس برای بار سوم این کار را تکرار می‌کند با این شیوه آب نوشیدن خداوند او را داخل بهشت می‌گرداند در هر بار آب نوشیدن بسم الله می‌گوید. (بحار مجلسی، ۴۶۴/۶۶)

و نیز در ادامه می‌گوید:

والماء إن تفرغ من الشراب له | صلّ علی الحسین والعن قاتله
تؤجر بآلافٍ عدادُها مِئه | من عتق مملوک وحطّ سیئه
ودرجٌ وحسنات ترفع | فهی اذن مئات الف اربع

داود رقی می‌گوید: کنت عند أبی عبدالله علیه السلام اذا استسقي الماء فلمّا شربه رأیته استعبر واغرورقت عیناه بدموعه، ثمّ قال لی: یا داود لعن الله قاتل الحسین علیه السلام فما من عبد شرب الماء فذکر الحسین ولعن قاتله الاّ کتب الله له مأة الف حسنة وحطّ عنه مأة الف سیئة ورفع له مأة الف درجة وکأنما اعتق مأة الف نسمة وحشره الله یوم القیامة ثلج الفؤاد(ابن قولویه، ۱۰۶).

سپس خواص آب رودخانه‌های فرات و نیل و چاه زمزم را ذکر کرده است و در قسمت پایانی منظومه اشعاری درباره مسافرت و آداب آن این‌گونه می‌سراید:

من شرف الانسان فی الاسفار تطییبه الزاد مع الإکثار
ولیحسن الانسانُ فی حال السفر اخلاقه زیادهٔ علی الحضر
ولیدعُ عند الوضع للخوان مَن کان حاضراً من الاخوان
ولیکثر المزح مع الصحب اذا لم یسخط الله ولم یجلب اذی

ناظم، ارجوزه را با ابیاتی دربارهٔ تکریم و گرامی‌داشت میهمان به پایان می‌رساند:

والضیف یأتی معه برزقه فلا یُقَصِّرْ أحدٌ بحقِّه
یَلقاه بالبشْر وبالطَّلاقَه ویُحْسِنُ القِری بما اطاقه

امام صادق علیه السلام فرمـود: قال رسول الله صلّی الله علیـه وآلـه: **إنّ الضـیف اذا جاء فنزل بالقوم جاء برزقه معه من السماء، فاذا أکـل غفـر الله لهـم بنزولـه علـیهم**(کلینـی، ۱۳۶۷: ۲۸۴/۶).

۲ ـ الدرة النجفیة؛

منظومه الدرة النجفیة به نامهای دیگری همچون «***الدرة البهیّـة***، ***الدرة المنظـومـة***، ***الدرة الغالیة فی المسائل العالیة*** و ***منظومة بحرالعلوم***» نیز شـناخته مـی‌شـود. (تهرانـی، ۲۳۵/۱۳)

محمدعلی اعسم (م ۱۲۳۳ ق.) شاگرد سید بحرالعلوم، منظومه را در ضمن ابیاتی توصیف نموده که آغاز آن این گونه است:

درة علم هی ما بین الدرر فاتحة الکتاب ما بین السور
(بحرالعلوم، مقدمه)

این منظومه شامل بیش از دو هزار بیت در مبحث طهارت و نماز تا نماز طـواف است. محتوای آن غالباً استدلالی نیست، لیکن در بعضی از موارد به دلیـل حکـم اشـاره شده است. چنانچه در ابیات مقدمه گذشت در سال (۱۲۰۵ = غُرّه)، هفت سال پـیش از وفاتش، ۱۲۱۲، شروع به سرودن آن نمود. شکی نیست که وی تصمیم به تکمیل ابیـات در ابواب دیگر فقه داشته، لیکن عمر او اجازهٔ تکمیل نداده اسـت. چهـار شـرح منظـوم

دارد به‌نامهای: ارجوزه فی شرح الدره نوشته رضا گلپایگـانی و ارجـوزهٔ دیگـر نگـارش عباس بن حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطا است. این شرح، مزجی می باشد بدین‌گونه که ابیات اصل را با شرح درهم آمیخته است. آغاز آن:

الماء ما سمّی ماءً مطلقا فضلاً علی الناس طهوراً خلقا

سومین شرح منظوم نوشتهٔ سید بحرالعلوم بنام سید حسین و شرح چهارم با نـام ***ارجوزه فی شرح الطهاره*** نوشته سید کلب بـاقر نقـوی اسـت. (تهـران، ۱۳۸۷ هــ .ق: ۲۴۱/۱۳ ـ ۲۳۵)

بخشهایی از این منظومه را بررسی می‌کنیم.

القول فی الوضوء:

لا یجب الوضوء الاّ أن یجب مشروطه فإن یکن ندباً نُدِب

سید بحرالعلوم در این بیت عدم وجوب وضو را فی نفسه بیـان مـی‌کنـد. بـدین معنا که وجوب آن غیری است یعنی تابع وجـوب مشـروطش مـی‌باشـد ماننـد نمـاز و طواف واجب ودر صورتی که مشروط مستحب باشـد ماننـد نمـاز نافلـه وضـو گـرفتن مستحب است و واجب نیست. البته انجام دادن آن عمل بدون وضو صحیح نمی‌باشد.

وللطهر شرط فی الصلاة مطلقاً وما بها کجزئها قد الحقا

من ذاک المرغمتان عندنا وشذَّ مَن ابدی خلافاً معلنا

مراد از طهر در اینجا وضو است که شرط صحت ومباح بودن نماز است. مقصود از مطلقا این است که خواه نماز واجب باشد مانند نمازهای پنجگانه یومیه یـا مسـتحب باشد. این موضوع مورد اجماع فقها است. در صحیحه زراره از امـام بـاقر علیـه السـلام روایت شده که فرمود: «**لا صلاة الاّ بطهور**» (حر عاملی، ۲۵۶/۱)

و همچنین وضو شرط انجام دادن اجزای فراموش شـده ماننـد سـجده و تشـهد می‌باشد. و نیز وضو شرط است در به جا آوردن دو سجده سـهو (المرغمتـان). ایـن دو سجده را رسول خدا صلّی الله علیه و آله، چنانچه در حدیث آمده است، مرغمتان نامید. (سید محمود طباطبائی، ۱۲۲/۱)

فقهایی که بر خلاف آن نظر داده‌اند نظرشان شاذ و مخالف رأی اکثر فقهای شیعه می‌باشد.

ناظم در بخش دیگری از این منظومه موارد استحباب وضو را با بیانی شیوا و اشعاری روان بیان کرده است، آن‌گاه در واجبات وضو می‌گوید:

إنّ الوضوء (غسلتان ـ عندنا ـ ومسحتان) والکتاب معنا
فالغسلتان الوجه والیدان والمسحتان الرأسُ والرجلان
والوجه (ما بین القصاص والذقن) (ممّا حوی الابهام والوسطی) اجعلن

(بحرالعلوم، ۱۵)

در بیت اول عبارت والکتاب معنا، اشاره به دلیل حکم دارد.

پر واضح است که اشعاری چنین عالمانه و استادانه کاری لطیف و جذّاب است و برای از بر کردن قواعد و احکام فقه کمک بسزایی است. دقت در بیان مطالب سبب شده که این منظومه مورد توجه فقها و اندیشمندان حوزه‌های علمیه قرار گیرد و دهها شرح به نظم و نثر بر آن نوشته شود.

در این منظومه به مناسبت بیان بعضی از احکام شرعی، مطالب اخلاقی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در احکام جنائز می‌گوید:

اعاننا الرحمن عند السَوق حتی نحب الموت حبّ شوق
وثبّت الایمان فی قلوبنا وطهر الدیوان من ذنوبنا
اوص اخی بکل حق مفترض فی کل حال سیّما حال المرض
لاتنس ذکر هادم اللذّات إن لم تجئة فهو جاء آتی

(همان: ۶۲ و ۶۳)

آغاز خروج روح از بدن را سوق بفتح سین یا احتضار گویند. عیادت از بیمار مستحب موکد است و در بعضی از موارد واجب می‌شود، در صورتی که بیمار خویشاوند باشد و ترک عیادت وی سبب قطع رحم شود. (طباطبائی، ۳۲۰/۴)

۳ ـ *الدرر البهیة* (ارجوزة فی الفقه) ؛

ناظم علاّمه فقیه سید حسن عریضی خراسانی (م ۱۳۰۶ هـ). این عالم خبیر از فقهای ناشناخته و گمنام جهان اسلام در دوره اخیر است، که ترجمهٔ احوال و آثار او حتی در «طبقات اعلام الشیعه» و کتاب «*الذریعه*» علامه شیخ آقا بزرگ و «اعیان الشیعه» علامه سید محسن امین درج نشده است. این ارجوزه جزء منظومات چهارگانه‌ای است که توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی به چاپ رسیده است.

این ارجوزه دارای ۴۶۲ بیت است. از اول کتاب صلاه تا اذن و اقامه. مبحث طهارت (وضو، غسل و تیمم)، نجاسات و کیفیت تطهیر آن و اقسام آب و احکام مترتب بر آن بر خلاف ترتیب کتب فقهی مشهور در ضمن شرایط نماز بیان شده است.

آغاز آن چنین است:

الحمد لله العلی العالم بکلّ شیءٍ الخبیر الحاکم
ثمَّ صلاةٌ لا تعدُّ بالعدد ولا لها حدّ ولا لها أمد
سمیتها باالدُّرر الهیهٔ فأئقهٔ درَّتنا الغریّه!

در بیت اخیر اشاره به منظومه سید مهدی بحرالعلوم «**الدرة الغروية و یا النجفیة**» می‌کند و به سبک و روش ابن مالک که گفته «فائقةً الفیهٔ ابن معط» ولی به دنبال آن گفته «**وهو بسبق حائز تفضیلا**» در اینجا ناظم پس از ذکردلیل برتری منظومه‌اش، البته دلیلی که با مقایسه این دو منظومه ضعف آن آشکار می‌شود، می‌گوید:

إذ غالباً یستنطق الدلیلُ منها کذا الخلاف والتفصیل
لکنّما السابق حاز الفضلا بسبقه عرفاً فلا یستعلی

(عریضی،۷۹)

پس از آن وارد مبحث نماز می‌شود:

إنّ الصلاة لم تجب الاّ على — من وجد الطهور وهو قد خلا
عن الدمين عاقلاً وقد بلغ — الحُلُمَ أو خَشِنُ الشعر بزغ
عليه من عانَيهْ وللذّكر — بلوغه اربَعَ أو خَمْسَ عشر
وغيره تسعاً وامّا الحَمْلُ — فيعرفُ السبق به والأصل

(همان: ۸۰)

تا اینجا نشانه‌های بلوغ پسران و دختران را بیان کرد. غالباً معنی هر بیت کامل نیست و متعلقات و متمم معنی آن در بیت بعدی است.

و در اقسام نمازها می‌گوید:

وسبعة اقسامها المرعيه — افضها اليوميّة المرضيّه
ودونَها الجمعةُ ثمّ العيد — على التى للآيةِ تزيد
وللطواف ركعتان بعده — وما على الميت لا نَعُدّه
لانها ليست سوي الدعا نَعَم — يلزمُ أن يُعَدُّ منها الملتزم
بنذر أو بشبهه والفايت — من نفسه أو من أبيه الميت

بیشتر ابیات این ارجوزه بیان مسائل فقهی بدون ذکر دلیل و یا اقوال مخالف در مسأله است ولی در پاره‌ای از مسائل اشاره به دلیل و یا آرای دیگران شده است.

مانند بیان شستن صورت و مسح سر در وضو:

وحُدِّدَ الوجهُ كما عنهم يُعَن — طولاً بما بين القصاص والذقن
وما عليه الاصبعان اشتملا — عرضاً كما فى خبر قد قُبلا
ومنتهى الايدى هو المرافق — كما به الكتاب ايضاً ناطق
بمسح بعض الرأس نحن نكتفى — لأنّ لفظ الباء بالبعض يفى

(همان: ۸۱)

در بیان حکم حدث اصغر در اثنای غسل می‌گوید:

ولا يعيدُ بل يُتمُّ لو حدث اثناء الاغتسال اصغر الحدث
لكن مع الوضوء بعد ما فرغ كما ارتضاه المرتضى وما بَزَغ
من ساير الأقوال فهو قد عرى عمّا من الوجه لدينا اعتبرا

(همان: ۸۲)

و در حکم طهارت اهل کتاب می‌گوید:

الكافر غير الكتابى نجس امّا هوفالحكم فيه مُلتبس
للاختلاف فى النصوص والاصح فيه الطهارة ولكن اتّضح
سبيل الاحتياط فهو المسلک ومذهب الاكثر ليس يترک

(همان: ۸۶)

رأی سید مرتضی علم الهدی و شیخ مفید را در مسأله حرمت خواندن نافله پس از نماز صبح تا طلوع خورشید و نیز پس از نماز عصر تا غروب آفتاب نپذیرفته و می‌گوید:

ويكره (التنفل) بعد صلاة الفجر الى الطلوع وبعد العصر
الى الغروب وكذا عندهما والمرتضى خالفنا فحرّما
وقبله المفيد فى ذين ولمْ أظفر بوجه لهما لِنلتزم

(همان: ۹۳)

و در پایان این ارجوزه می‌گوید:

ويسقط الأذان فى الأسفار خصوصه لظاهر الاخبار
والعصر فى الجمعة ثمّ عرفه وللعشاء ليلة المزدلفه
وهكذا اخيرة الفرضين إن بينهما يجمع باجماع زكن
واختلف الاخبار فى الفصول وما هو الأشهر فى القبول

(همان: ۹۹)

در بررسی این منظومه‌ها، استدلال به ادله اربعه، به کارگیری قواعد اصول و

طرح دیدگاههای انتقادی مخالف به روشنی دیده می‌شود، مواردی از آن را ذکر می‌کنیم.

در این ابیات اشاره به استصحاب شده است:

لو عَلِمَ الطهرَ وشکّ فی الحدث — لم یلتفت الیه بل ینفی الحدث
ویثبت الطهر وفی العکس عکس — ذا الحکم قطعاً وکذا اذا التبس
مع کون کل منهما قد علما — أنهما أیّهما تقدما

(عریضی خراسانی، ۱۳۶۹: ۸۰)

در تحدید وجه در وضو می‌گوید:

وحدد الوجه کما عنهم یُعَنْ — طولاً بما بین القصاص والذّقن
وما علیه الاصبعان اشتملا — عرضاً کما فی خبر قد قُبلا

(همان: ۸۱)

اشاره به خبر صحیح زراره از امام باقر علیه السلام:

«انه قال لابی جعفر الباقر علیه السلام: اخبرنی عن حد الوجه الذی ینبغی ان یوضّأ الذی قال الله عزّوجلّ، فقال: الوجه الذی قال الله وأمر الله عزّوجلّ بغسله الذی لا ینبغی لأحد أن یزید علیه ولا ینقص منه، إن زاد لم یؤجر وإن نقص منه اثم، ما دارت علیه الوسطي والابهام من قصاص شعر الرأس الی الذقن، وما جرت علیه الاصبعان من الوجه مستدیراً فهو من الوجه، وما سوي ذلك فلیس من الوجه. فقال له: الصدغ من الوجه؟ فقال: لا »(حر عاملی، ۱۴۰۳: ۲۸۴/۱).

علامه بحرالعلوم در تداخل اسباب غسل می‌گوید:

والحکم فی تعدد الاسباب — تداخل الکل بلا ارتیاب
إن تتحد نوعاً وإن لم تتحد — تداخَلَ الکلُّ اذا الکلَّ قصد
وقیل إن کان جنابةً کفی — والغیر لا یکفی وفی الفرق خفا

(بحرالعلوم، ۱۴۰۵: ۲۸)

قیل اشاره به قول ابن ادریس است در سرائر که تداخل را در صورتی که غسل

جنابت یکی از آن اغسال باشد جایز می‌داند ولی در غیر ایـن صـورت تـداخل اسـباب ممتنع است. سید در رد او به این جمله اکتفا کرده است که (وفی الفرق خفـا) تفـاوتی میان غسل جنابت و دیگر اغسال وجود ندارد.

سید عریضی در همین مسأله می‌گوید:

إن جمعت علیه اسباب کفی عن الجمیع واحدٌ بلا خفا

وهکذا الوضوء بل فیه اتفق اصحابنا قدیمهم وما التحق

(عریضی خراسانی، ۱۳۶۹: ۸۲)

اشاره به اجماعی بودن تداخل اسباب در وضوء اسـت ولـی در غسـل اخـتلاف وجود دارد.

سید بحرالعلوم در بحث تیمم می‌گوید:

یجری الصعید باتفاق العلما ونصّ قول الله مَن تیَّمما

(بحرالعلوم، ۴۳)

دلیل مجزی بودن صعید را اجماع علما و نص آیه قرآن ذکر کرده است.

وفی السرائر ان الاجماع منعقد علی ان التیمم لا یکـون الاّ بـالارض أو مـا یطلـق علیه اسمها خلافاً للمحکی عن ابی حنیفه ومالک(نجفی، ۱۱۸/۵).

و اما نص قرآن اشاره به آیهٔ ۴۳ سوره نسا و آیه ۶ سوره مائده می‌باشد.

سید عریضی در مسأله طهارت اهل کتاب می‌گوید:

الکافر غیر الکتابی نجس اما هو فالحکم فیه ملتبس

للاختلاف فی النصوص والاصح فیه الطهارة ولکن اتضح

سبیل الاحتیاط فهو المسلک ومذهب الاکثر لیس یترک

اشاره به اختلافی بودن آن در میان فقها و مخالفت اکثر ایشـان بـا طهـارت اهـل کتاب لذا در این مورد و مشابه آن راه احتیاط را بر می‌گزینند. (عریضی خراسانی، ۸۶)

در جای دیگر در طهارت خف و نعل و کف پا و امثال آن می‌گوید:

الخف والنعل واسفل القدم ونحوها تطهر بالارض ولم
ینقل خلاف فیه الاّ ما ظهر عن شیخنا الطوسی وهو قد ندر

اینجا تمسک به اجماع نموده است و مخالفت شیخ طوسی و خروج او را از مجمعین را منافی با اجماع نمی‌داند. (همان: ۸۸)

سید بحرالعلوم قائل به تسامح در ادله سنن می‌باشد زیرا او در مسأله استحباب تیمم، مواردی که وضو و غسل مستحب می‌باشد می‌گوید:

فهو عن الواجب والندب بَدَل یحلّ عند العجز حیث الاصل حل
(بحرالعلوم، ۴۷)

بنا به قول محقق نراقی هیچ دلیلی بر اثبات استحباب نیست مگر فتوای عده‌ای از فقها و شهرت آن. (نراقی، ۴۱۵/۳)

همان‌گونه که می‌بینیم شیوه استدلال به ادله اربعه در منظومه‌ها غالباً به صورت اشاره می‌باشد و همچنین به اصولی مانند استصحاب و احتیاط و تخییر بدون ذکر نام آن استدلال کرده‌اند. و امّا اختلاف موجود میان فقها به صراحت در ابیات منظومه‌های فقهی دیده می‌شود.

نتیجه

یکی از کارآمدترین شیوه‌های آموزشی، آموزش با کلام منظوم است. زیرا به ذهن سپردن مطالب با سخن موزون زودتر حاصل می‌شود و دیرتر فراموش می‌شود. فقها در دو قرن أخیر توجه زیادی به متون علمی منظوم داشتند و حتی آنها را حفظ می‌کردند. سید محسن أمین عاملی درباره (***الدرة النجفیه***) سید مهدی بحرالعلوم می‌گوید: ارجوزه مشهوری است. سرور منظومه‌های فقهی است، بی نظیر است بسیاری از فقها توجه و ا هتمام خاصی به آن داشتند. نویسنده روضات الجنّات نقل می‌کند که صاحب جواهر الکلام ابیات این ارجوزه را به منزله روایات معتبر قرار داده است. امّا اکنون این منظومه‌ها رو به فراموشی است و یا به کلی فراموش شده است. احیای این روش تعلیم، ارج نهادن به سخت کوشیهای گذشتگان و تشویق کسانی است که طبع

شعری دارند و برای به نظم درآوردن مطالب فقهی، ضروری بـه نظـر مـی‌رسـد و ایـن اهداف محقق نمی‌شود مگر با آشنایی با منظومه‌هـا و ارجـوزه‌هـای پیشـینیان بـه ویـژه فقهای دو قرن اخیر.

در این پژوهش اضافه بر معرّفـی و بررسـی تعـدادی از منظومـه‌هـای فقهـی بـه جایگاه و ارزش علمی آنها در میان فقها پی می‌بریم. توان علمی نـاظم و هنرمنـدی وی در ایجازگویی مسائل فقهی و ادلهٔ آنها در قالب ارجوزه مشاهده مـی‌شـود و بـه تحقیـق می‌توان گفت ارزش این منظومه‌ها از دیگر کتب فقهـی اسـتدلالی کمتـر نمـی‌باشـد. در برخی از ادبیات این منظومه‌ها صنایع ادبی مانند جناس و طبـاق و تضـمین بـه روشـنی دیده می‌شود.

منابع

آل محبوبه، جعفر؛ ***ماضی النجف وحاضرها***، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق. ۱۹۸۳م.

ابن قولویه، جعفربن‌محمد؛ ***کامل الزیارات***، نجف اشرف: المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۶هـق.

الاعسم، محمدعلی؛ ***الأطعمة والأشربة آدابها وفوائدها***، بیـروت: دار المحجـة البیضـاء، ۱۴۲۷ هـ ۲۰۰۷م.

ــــــــــــــ؛ ***منظومة ابن الأعسم فی المأکل والمشرب***، مشهد: بنیاد پژوهشـهای اسلامی، ۱۴۱۰ق.

أمین، سید محسن؛ ***اعیان الشیعه***، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.۱۹۸۳م.

ــــــــــــــ؛ ***معادن الجواهر ونزهة الخواطر***، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۳ق.

أمینی، محمدهادی؛ ***معجم رجال الفکر والأدب فی النجف***، بی جا: ۱۴۱۳ق.

انصاری، مرتضی؛ ***کتاب الطهارة***، قم: ۱۴۱۵ق.

ــــــــــــــ؛ ***کتاب الصلاة***، قم: ۱۴۱۵ق.

بحرالعلوم، سید مهدی؛ ***الدرة النجفیّة***، قم: مکتبة المفید، ۱۴۰۵ق.

تهرانی، آقا بزرگ؛ ***الذریعة الی تصانیف الشیعة***، تهران:کتابخانه اسلامیه، ۱۳۸۷ ق.

ـــــــــــــ؛ ***طبقات اعلام الشیعه نقباء البشر***، مشهد: دارالمرتضی، ۱۴۰۴ق.

ـــــــــــــ؛ ***طبقات اعلام الشیعه الکرام البررة***، مشهد: دارالمرتضی، ۱۴۰۴ق.

جلالی، سید محمدجواد؛ ***مجله فقه أهل بیت علیهم‌السلام عربی***، قم: شماره‌های۱۹، ۲۱ و ۲۲.

حائری، عبدالکریم؛ ***کتاب الصلاة***، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ق.

حر عاملی، محمد بن الحسن؛ ***وسائل الشیعة***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

حسنی بغدادی، سید محمد؛ ***ارجوزة فی الصوم والاعتکاف والخمس***، نجف اشرف: ۱۳۸۴ ق.

حسینی عاملی، سید محمدجواد؛ ***مفتاح الکرامة***، قم: مؤسسه آل البیت، بی تا.

حکیم، سید محسن؛ ***مستمسک العروة الوثقی***، نجف اشرف: ۱۳۹۱ق.

خاقانی، عبدالله؛ ***شعراء النجف فی القرن الرابع عشر***، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۱ق.

خاقانی، علی؛ ***شعراء الغری***، چاپ دوم، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.

خویی، ابوالقاسم؛ ***التنقیح فی شرح العروة الوثقی***، قم: دارالهادی، ۱۴۱۰ق.

طباطبائی، سید محمود؛ ***المواهب السنیة***، چاپ سنگی، بی‌جا: ۱۲۸۰ق.

عریضی خراسانی، سید حسن؛ ***اربع اراجیز***، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹.

کاظمینی، سید محسن؛ ***منظومة فقهیة مستطرفة***، با شروح و تعلیقات سید عبدالحجه بلاغی، بی‌جا: بی‌تا.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ ***فروع کافی***، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.

مجلسی، محمدباقر؛ ***بحارالانوار***، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

محسنی، سید صادق؛ ***منظومه‌های فقهی***، مجله آیینه پژوهش؛ شماره ۳۸.

نجفی، محمدحسن؛ ***جواهر الکلام***، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.

نراقی، احمد؛ ***مستند الشیعة***، قم: موسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.

همدانی، رضا؛ ***مصباح الفقیه***، چاپ سنگی، تهران: کتابخانه صدر، بی‌تا.